

زنان سرزمین آفتاب

دکتر محمد ضیاء الدین پور

www.ketabair

سرشناسه	: داودپور، مرضیه، ۱۳۳۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: زنان سرزمین آفتاب / مرضیه داودپور.
مشخصات نشر	: مشهد: ترانه، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۴۸۸ ص.
شابک	: 978-600-7061-74-9
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	: Short stories, Persian -- 20th century :
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷: ۹۳۹۳الف / PIR۸۰۴۱
رده بندی دیویی	: ۶۲/۳۸۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۳۲۷۵۲۲



انتشارات ترانه

زنان سرزمین آفتاب

دکتر مرضیه داودپور

چاپ اول: ۱۳۹۸، شمارگان ۶۰۰ جلد

۴۲۰۰۰ تومان، لیتوگرافی: دانشگاه فردوسی

چاپ و صحافی دانشگاه فردوسی

صفحه آرای: رحمان اسدی

شابک ۹-۷۴-۷۰۶۱-۶۰۰-۹۷۸-۹۷۸-۶۰۰-۷۴-۹ ISBN:-978 - 600-7061-74-9

کلیه حقوق برای انتشارات ترانه محفوظ است

مشهد، میدان سعدی، پاساژ مهتاب - طبقه همکف تلفاکس ۳۲۲۸۳۱۱۰

فهرست

۹.....	مقدمه
۱۱.....	بخش اول: نامه‌ها.....
۱۳.....	زن و مار.....
۳۱.....	تاج خاک بر سر.....
۴۹.....	زنی پشت پرده زنبوری.....
۶۹.....	خاکستر و آتش.....
۱۰۳.....	تاجی بر خاک.....
۱۳۹.....	بخش دوم: زنان سرزمین آفتاب.....
۱۴۱.....	نیرالسادات.....
۱۵۹.....	مه تاب.....
۱۶۷.....	یک زن معمولی.....
۱۷۱.....	عکس یادگاری.....
۱۷۷.....	خواهر خوانده.....
۱۸۳.....	ستاره تنها.....
۱۹۳.....	سیاه سر.....
۱۹۹.....	کوچ راحله.....
۲۰۳.....	روایت کوچ ۲.....
۲۰۷.....	روایت کوچ ۳: راوی عاشق.....
۲۱۲.....	روایت کوچ ۴.....
۲۱۵.....	بلبل شیدا.....
۲۲۵.....	شب‌نم در کویر.....

۲۴۱	بخش سوم: عشق‌های ناصرالدین شاه
۲۴۳	پیش‌نویس
۲۴۵	عشق‌های ناصرالدین شاه
۲۴۶	فاطمه و آغامکمل
۲۵۹	عباسقلی خان و فاطمه
۲۶۳	یادداشت‌های فاطمه
۲۶۵	فاطمه
۲۷۳	نقد اسرارآمیز
۲۷۷	کشور خان و هرمان
۲۸۷	بازگشت از جاجور
۲۹۲	جوهر وحشت‌ناک
۲۹۶	محمد ولی خان و مجان
۳۱۲	جوهر خان و آغامکمل
۳۳۹	شاه در اتاق مکمل
۳۴۱	سفر شاه به مازندران
۳۴۷	دیدار عباسقلی خان از فاطمه
۳۵۱	گرفتاری عباسقلی خان
۳۵۷	بازگشت شاه از مازندران
۳۵۹	مسموم کردن آغا مکمل
۳۷۲	قتل کشورخانم و حسینعلی خان
۳۷۶	در جستجوی عباسقلی خان
۳۸۲	چگونه عباسقلی خان از تهران فرار کرد؟
۳۸۹	بازگشت عباسقلی خان به تهران

مقدمه

این کتاب برگرفته از سند و تخیل است. بخش اول، ملکه همدان، داستان زنان ایرانی است که روزگاری عنوان ملکه ایران را داشته‌اند یا به تباری با شاهان در ارتباط بودند و به سهم خود روی تاریخ ایران تأثیر گذاشتند.

این بخش را با استفاده از اسناد و کتاب‌های تاریخی مختلف و نشریات قدیمی که از انتشار بعضی از آنها بیش از پنج سال گذشته و بخصوص بهره‌گیری از تخیل نوشته‌ام. تعداد این اسناد و کتاب‌ها محدود بوده و ثابت آنها به جای خود محفوظ است و به علت تنوع، از ذکر نامشان خودداری می‌کنم. در میان این کتاب‌ها، تعدادی نیز صرفاً خاطرات خود نویسنده بوده از جمله روزنامه خاطرات قهرمان میرزاعین السلطنه سالور که درده جلد مفصلاً منتشر شده و تاریخ عضدی و خاطرات تاج الملوک پهلوی که عده‌ای معتقدند ساخته‌گی اسنادی اما متین اصلی آن با تاریخ مطابقت دارد و نیز سفرنامه‌های مختلف.

در این قسمت از کتاب، به همان اندازه که گفته‌ها و اتفاقات تاریخی نقش دارد، فن نویسندگی نیز دخیل است و کپی برداری و نقل قول صرف نیست و گرچه بسیاری از دیالوگ‌های قهرمانان آن واقعی است و روزگاری از دستان خود شخصیت‌ها بیان شده و در تاریخ به یادگار مانده تا توسط راویان منتشر شود، اما صحنه پردازی‌ها بیشتر ساخته و پرداخته ذهن نویسنده است که سعی شده به واقعیت، نزدیک باشد. این زنان گرچه مستقیماً به ایران سلطنت نکرده‌اند اما روی کسانی که سلطنت می‌کردند نفوذ داشته‌اند و در نتیجه در حد خود روی سرنوشت هم وطنان ایرانی موثر بوده‌اند. این زنان، روزگاری ملکه‌های سرزمین آفتاب بوده‌اند.

بخش دوم کتاب، قصه زن ایرانی است. زنانی از سرزمین آفتاب! زنانی که نه ملکه بوده‌اند و نه تاریخ سازاما قهرمانان روزمره زندگی هستند. قهرمانان واقعی ایران عزیز که به نوبه خود از روی سوزهای خاصی نوشته‌ام.

بخش سوم: تحت عنوان "عشق‌های ناصرالدین شاه" عینا از کتابی کاهی و کهنه، به قطعی کمی بزرگتر از جیبی، که در کتابخانه مرحوم پدرم یافته‌ام به خوانندگان عزیز تقدیم می‌کنم.

این کتاب را در هیچ کتابخانه‌ای نیافتم. تمام قصه به قلم یک نویسنده‌ی ناشناس است که حتما محققان می‌توانند نام او را بگویند. شاید این کتاب روزی پاورقی یک مجله بوده است؟ این کتاب درباره یکی از سوگلی‌های ناصرالدین شاه است. نویسنده آن عسرا را در قصه را واقعی قلمداد کند. قصه‌ای که نام شخصیت‌ها یعنی زنان را به کمک خود به دست می‌دهد و سلحشی تغییر داده است اما به نظر می‌آید که گرچه بدون شک، واقعی در این قصه نهفته است اما بخش اعظم آن با کمک تخیل نویسنده‌اش شکل گرفته است. بارحال چون این قصه را جای دیگری نیافتم و درضمن بازگو کننده اتفاقات و رسوم و سرنوشت غمبار اسیران آن یعنی زنان و خواجگان است و به نوعی آینه‌ای از تاریخ ایران محسوب می‌شود، تاریخی که توسط این بازیچه‌های دست دشاها و خودکامه شکل گرفته، با ذکرامانت و اینکه من نویسنده آن نیستم. تحت عنوان "عشق‌های ناصرالدین شاه" منتقل می‌کنم چون احساس کردم باید به سرش و دیگران هم از آن مطلع شوند.